



خیلواکی

استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

میر عبدالرحیم عزیز

جمعه، ۰۸ اکتوبر، ۲۰۲۱

## اسرار غیر واقعی پنجشیر افشاء گردید

افرادی که خود را "رہبران" پنجشیر می نامند، مرتکب بزرگترین خطای سیاسی و نظامی گردیدند. این گروه "نامور"، پنجشیر را به تباہی کشانیدند و مردم این سرزمین را خوار و ذلیل ساختند. این "رہبران" نه دانش سیاسی داشتند و نه فهم ستراتیژیک. فکر و دماغ شان هنوز هم در موهومات دہۂ ہشتاد گشت و گذار میکند و به تغییرات عمدہ ای کہ در خلال ۴۰ سال در افغانستان پدید آمدہ اصلاً باور ندارند.

امرا اللہ صالح با آموزش استخباراتی در امریکا و صحبت روان، خود را در سطح یک تیورینس می پندارد کہ بایست ہمہ بہ گفتار و نظراتش ارج بگذارند و تابع عقایدش شوند. با خودخواہی و تکبر ذاتی، صالح معتقد است کہ طرز دید و فہم ناپختہ اش مافوق دیگران بودہ و با درک ناقصش از حوادث سیاسی و نظامی کنونی میتواند ہرگونہ تہاجم طالبان را در ہم بکوبد، اما نمیدانست کہ برادرش از زمرہ قربانیان اول تکتیک و ستراتیژی ابلہانہ وی میگردد. از عملکرد وی و سائر "رہبران" جاہل پنجشیر معلوم میشود کہ این گروہ حتا با اراضی منطقہ شان آشنائی نداشتند، و گرنہ با چنین شکست خفت آوری مواجہ نمی شدند.

احمد مسعود کہ بہ نام کاذب پدر فخر میفروشد، متصور بود کہ با رہنمائی دستگاہ جاسوسی ام آی ۶ برتانیہ (MI-۶) و سازمان جاسوسی ایران (واواک) شاید قادر باشد نیروی عظیمی از مردم پنجشیر را علیہ طالبان بسیج کند. اما فہمید کہ مردم پنجشیر سخت از وی و دیگر "رہبران" خود ساختہ نفرت دارند و حاضر نیستند بہ خاطر خواہشات نفسانی چند عنصر ضد ملی جان شان را فدا نمایند. چند روز جنگ توسط کسانی بہ راہ انداختہ شد کہ مجال فرار از افغانستان را نیافتند و صرف توانستند خود را بہ درہ پنجشیر برسانند کہ بعداً طعمہ طالبان شدند. در خلال بیست سال شوکت و

جلال شورای نظار، رهبران فاسد این گروه نه تنها هرگز به فکر آسایش مردم فقیر و زجر دیده پنجشیر نبودند، بلکه به قیمت خون این مردم غرق در عیش و نوش بوده و مصروف خیانت به میهن و دزدی و غارت ثروت ملی کشور شدند. همه قهرمان پرستی های تهوع آور، همه جانبازی های کاذب و مبارزات دروغین افشاء گردید و ثابت شد که احمد شاه مسعود اصلاً با قوای اشغالگر شوروی نجنبیده، بلکه صرف مانور هائی بود که برای بزرگ ساختن مسعود به راه انداختند تا از وی قهرمانی برای رهبری "افغانستان شمالی" خلق نمایند.

"رهبری" پنجشیر میتوانست که با خردمندی و درک شرایط سیاسی و نظامی کشور و فهم معنای عقب نشینی افتضاح آمیز (شکست) با داران اجنبی با زرنگی خاص با طالبان وارد مذاکره شود و از تهاجم تباه کن طالبان جلوگیری نماید. اما نافهمی و غرور جاهلانۀ این گروه "رهبری"، مردم و سرزمین پنجشیر را به سوی تباہی و شرمندگی تاریخی سوق داد. جبهۀ "مقاومت" نزدیک به شکست بود که پیشنهاد صلح را پیش کشید، اما خیلی دیر شده بود که بتواند حیثیت از دست رفته را اعاده نماید. هیچ غالب پیشنهاد صلح مغلوب حقیر را نمی پذیرد. شکست پنجشیر پرده از بسیار رازها برداشت که تا آن زمان با دسایس اجانب و معاهدات مخفی پوشیده باقی مانده بود. درین جا افشای اسرار پنجشیر را تا جائیکه در ذهنم خطور میکند، ارزیابی می نمایم.

۱. در گذشته ها چنین وانمود میشد که درۀ پنجشیر تسخیر ناپذیر است و هیچ جهانکشا و متجاوز نمیتواند این دره را در چنگ خود بیاورد. چطور شد که نیروی طالبان پا برهنه بعد از چند روزی درۀ پنجشیر را به تصرف خود درآوردند. یک عده از میهن فروشان حامی مسعود این مفکوره را در خورد مردم داده بودند که پنجشیر غیر قابل فتح است. حتا اشغالگران شوروی هم تبلیغ میکردند که مساعی آنها در انهدام سنگر پنجشیر به ناکامی مواجه گردیده بود. لاکن حال مردم ما میدانند که این همه تبلیغات برای فریب اذهان عامه بود تا احمد شاه مسعود را قهرمان جلوه دهند. سرانجام بعد از ۲۰ سال مکر و فریب، درۀ پنجشیر در دست کسانی افتاد که یک صد هزارم قوت نظامی شوروی را نداشتند. شاید در آینده حالت بازهم فرق نماید، اما حداقل گفته میتوانیم که درۀ پنجشیر مسخر شد.

۲. "رهبری" پنجشیر همیشه لاف میزد که مردم با ماست، اما چند روز جنگ عکس آنرا ثابت ساخت، مردم جفا کشیده پنجشیر که سالیان متمادی در زیر مهمیز رهبران خائن و خود ساخته دست و پا میزدند، بیشتر ازین حاضر نشدند که خود را فدای هوس یک عده از تجزیه طلبان و خاک فروشان نمایند. چند روز جنگ از سوی کسانی به راه انداخته شد که از ترس به سوی درۀ پنجشیر فرار کردند که آنهم بعد از چند روز مقاومت تار و مار گردیدند. من به مردم نجیب پنجشیر تهنیت

می فرستم که در دام درنده خویان شورای نظار نه افتادند و از خائنان حمایت نکردند. مردم نجیب این خطه همچنان متوجه شدند که قبل از همه، رهبران شان مانند محمدی بودند که با پول و غنیمت فرار کردند و مردم خویش را تنها گذاشتند. پس چطور میتوان به این گونه رهبران فاسد و ترسو اعتماد کرد.

۳. اختلافات ذات البینی میان گروگان گیران (گروه رهبری) و سائر تبه کاران دره پنجشیر، جریان سقوط این منطقه را سرعت بخشید و راز دیگری از جبهه پنجشیر را افشاء نمود. کشمکش بر سر تقسیم غنایم و منافع مادی همیشه در میان افراد ماجراجو در پنجشیر وجود داشته است، اما کسی شهادت رویارویی با دارودسته مسعود و شرکا را نداشت. سرانجام این فرصت برای مخالفان مسعود پیش آمد تا انتقام گذشته ها را بگیرند. طوریکه شنیده شد شخصی به نام قومندان دین محمد جرأت، فهیم دشتی (ژورنالیست) و عبدالودود زره خواهر زاده احمد شاه مسعود را در گیر و دار جنگ پنجشیر به قتل رسانید. دین محمد جرأت یک انسان بیرحم و اوباش است که داکتر عبدالرحمان را به امر قسیم فهیم در داخل طیاره کشت و بعد جسد او را از زینه طیاره پایان انداخت.

۴. اختلافات ذات البینی میان افراد در کدر "رهبری" از عمق به سطح آمد. معلومات بدست آمده نشان میدهد که تفاوت نظر جدی بین امرالله صالح و احمد مسعود در طرز عملکرد وجود داشت. طوریکه یک عده اظهار میدارند، احمد مسعود طرفدار جنگ نبود، اما اصرار امرالله صالح و چند تن جنگ طلب دیگر بودند که مصیبت را بر پنجشیر تحمیل کردند. به احتمال قوی که کشمکش بر سر تقسیم ثروت پنجشیر هم در خلق تضاد های درونی بی تاثیر نبوده است.

۵. ویدیو ها به اثبات میرسانند که "رهبران" پنجشیر چه زندگی فرعون، اما به قیمت خون مردم برای خود به راه انداخته بودند. منازل شاهانه امرالله صالح، مسعود، عبدالله عبدالله و سائر دزدان این منطقه که حتا کمتر در اروپا و امریکا دیده شده است، به مردم پنجشیر و افغانستان ثابت ساخت که "رهبران" هرگز به فکر آرامی و آسایش مردم خود نبودند، بلکه فقط می زدند و تاراج میکردند. اگر اینها از کمترین شرف و وجدان انسانی برخوردار میبودند، از زندگی اشرافی در منازل مجلل در چنین یک محیط فقیر با مردم نادار اجتناب میورزیدند، در حالیکه ۹۹/۹۹ فیصد مردم این محله زیر خط فقر دست و پا میزنند.

۶. معادن زرمرد و لاجورد که ثروت ملی است، در حال کنونی از دست میهن فروشان شورای نظار خارج شده است. احمد شاه مسعود این ثروت ملی را برای خود میفروخت و پول آن را به جیب میزد. برادرانش هم خوب از این خیانت مستفید شدند. احمد شاه مسعود بعضاً برای یک عده خارجیان

که حامی وی بودند، لاجورد و زمرد را طور رایگان هدیه میکرد. روی همین دلیل بود که با کمک یک فرانسوی به اسم برنارد هنری لیوی (Bernard-Henry Levy) که مردم او را به حیث جاسوس اسرائیلی موساد میشناسند، یک لوح یاد بود به نام احمد شاه مسعود در ناحیه هشت پاریس نصب کردند. طوریکه افراد مطلع اظهار میدارند که این فرانسوی مقدار عظیمی از سنگ های قیمتی مانند زمرد و لاجورد را طور رایگان از احمد شاه مسعود بدست آورده بود. احمد شاه مسعود همچنان به سندی گال (Sandy Gall) فیلم ساز انگلیس هم تحایف زیادی عرضه کرد. سندی گال یکی از عناصر (ام آی ۶) سازمان جاسوسی خارجی برتانیه است که فیلمی از احمد شاه مسعود تهیه نمود که در آن وجه مسعود را به سطح قهرمان بالا برد.

۷. بعد از شکست در پنجشیر، عقد معاهده مخفی احمد شاه مسعود با قوای اشغالگر شوروی بیشتر افشاء گردید. اگر احمد شاه مسعود و یارانش واقعاً قوای عظیم شوروی را شکست داده بودند، چرا قوای پنجشیر که مجهز تر نسبت به آن زمان بود، نتوانست یک قوای میلیشائی ناتوان تر و ضعیفتر را نابود سازد. در عوض خود خرد و خمیر شد و پنجشیر در تصرف طالبان درآمد. شاید بگویند که شخص احمد شاه مسعود در نبرد با طالبان حضور نداشت تا ضرب شصت نشان میداد. باید اذعان نمود که احمد شاه مسعود حتا در دهه ۹۰ قرن گذشته هم از ترس طالبان به کولاب تاجیکستان فرار نموده بود و مردم پنجشیر را بی دفاع گذاشت. اگر حمایت ایران، شوروی، هند و امریکا نمی بود، طالبان همان زمان گلم وی را جم میکردند.

به هر صورت، "رهبری" پنجشیر مرتکب خطای ستراتیژیک شد که جبران آن زمان میخواهد. اگر با هشیاری و تأمل رفتار می کردند، پنجشیر در تصرف نظامی طالبان نمی افتاد، مردمش در زیر ضربات دو جانب کوفته نمی شدند و حیثیت جهانی "رهبری" پنجشیر پامال نمیشد و اسرار شان افشاء نمیگردید.

پایان